



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۱/۱۱

پوهاند بشیر احمد زکریا

ترجمه: رحمت آریا

تصادم دیموکراسی ها و اتوکراسیها

(قسمت هجدهم)

دوم: انتروپولوژی دیموکراسی

«جولیا پلی» – پوهنتون پنسلوانیا دیپارتمنت انتروپولوژی

مؤلف که انتروپولوژیست یا انسان شناس نیست ولی منحصراً طب اهمیت انتروپولوژی را می داند بخصوص زمانیکه یکی از عالیترین مفاهیم جامعه بشری «دیموکراسی» را در بر بگیرد، و خواهد یک دیدگاه مشهور انتروپولوژی را با شما در میان بگذارد. این انتروپولوژیست ها اند که از طریق میتود قوم شناسی می توانند روابط افراد را خارج از نهاد های سیاسی رسمی و نخبه پیدا نمایند و با توجه به جهان بینی های بدیل، بررسی معانی محلی، بحث های رایج، رقابت های متعدد و تغییر شکل های قدرت که در ادبیات عملی در مورد تغییرات دیموکراتیک نادر است، به مطالعه دیموکراسی می پردازند. لازم به ذکر است که یکی از انتروپولوژیست های اولیه که یک معلم و زبان شناس هم بود، «ویلهلم فون هومبولت» [1] در اوایل دهه ۱۸۰۰م به این باور بود که " در زبان یک جهان بینی غیر صریح به عنوان سیستم مفهومی وجود دارد." وی بین پنج دیدگاه جهانی تمایز قائل شد: (۱) جهان درک شده، (۲) جهان تصور شده، (۳) دیدگاه از طریق ذهنیت فرهنگی، (۴) جهان شخصی و (۵) دیدگاه شخصی.

به نظر من برای درک روابط متقابل فرد با جامعه، قرار داد اجتماعی، فلسفه حقوقی و فلسفه دیموکراسی، ما باید به آن از دیدگاه انتروپولوژیست نیز نگاه کنیم. مطالعه انتروپولوژیست «جولیا پلی» در مورد جمع آوری نوشته های قوم شناسان یا (انتوگرافهای) که در عرصه های وسیع مختلف کار میکنند تا خطوط تحقیق و تحلیل را به روی توسعه انتروپولوژی دیموکراسی بگشاید، برای مطالعه ما نمایان تر میشود. [2]

بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ تعداد دولت های دیموکراتیک افزایش یافت، برخی از آنها به عنوان "دیموکراسی با جوش و خروش کم" نامگذاری شدند [3]. در حالی که برخی از محققان با هیجان از آنها استقبال کردند ولی بسیاری در مورد

1 - Wilhelm von Humboldt

2 - Paley, Julie. *Anthropology of Democracy*. Annu. Review of Anthropology. Vol.31. pp. 469-496. 2002.

3 - " (Gills et al. 1993)

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

تغییرات سیاسی بمیان آمده، تجدید تعادل و سازماندهی نظم تازه شک داشتند. این مورد از سوی مجامع علمی مورد استقبال قرار گرفته و بعضی آنرا " موج سوم دیموکراسی" نامیدند. اما بعد ها محققان می خواستند در باره تغییرات رژیم و محبوبیت دیموکراسی در آن جوامع بیشتر بدانند. آنها شدت اعمال قوانین دیموکراتیک را در تحکیم رژیم ها، ثبات آنها، طول عمر و عمق تغییرات به دست آمده را در این دیموکراسی ها زیر سؤال بردند. بیشتر این مطالعات توسط دانشمندان علوم سیاسی، نهاد های سیاسی رژیم ها با مطالعه قوانین آنها و عملی کردن نورم های معروف دیموکراتیک انجام شده است. افزایش علاقه باعث انتشار نشریات بیشتری در مجله جدید دیموکراسی⁴ شد که توسط بنیاد ملی دیموکراسی⁵ حمایت میشد. این انتروپولوژیست با حساسیت اتنوگرافیکی، خارج از نهاد های سیاسی نخبه، بود که شیوه قوم شناسی یا اتنوگرافی را برای مطالعه پسا استعماری مردم بکار بست تا بداند که گذار به دیموکراسی برایشان به چه معنی است، مباحث شان در مورد این گذار چیست و ماهیت تغییرات پایه های قدرت را چگونه می بینند. مطالعات انسان شناسان اغلباً در چهار جنبش های اجتماعی، یعنی حقوق بشر، بیرو کراسی، قوانین، خشونت، شبه نظامیان، پولیس و اردو برای حفظ امنیت مورد بحث قرار می گیرد. نقش دولت در مسائل فرهنگی، میزان جهانی شدن و آثار آن، جامعه مدنی و سازمانهای غیر دولتی و غیره چیست. متأسفانه نظر سنجی «پوهاند پالی» از لیست پروگرامهای کنفرانس و کتاب های به نمایش گذاشته شده انجمن انتروپولوژی امریکا نشان داد که کار کمی بخصوص در مورد موضوع دیموکراسی انجام شده است. معهدا، پس از آزادی مستعمرات در شرق دور، افریقا و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مسئله دیموکراسی برای این کشور های جدیداً به استقلال رسیده به چلنج بزرگتر برای دانشمندان علوم سیاسی و بعد برای انتروپولوژیست ها تبدیل شد. انتروپولوژیست ایالات متحده امریکا گروهی ساخت بنام " کمیته مطالعه مقایسه ملل جدید" و در سال ۱۹۵۹م توسط کارنیگی کارپوریشن پیشستیابانی شد. «در این زمینه، دیموکراسی یک فورم سیاسی جهانی بود که نشان دهنده پیشرفت به سمت مدرنیته بود.» «پوهاند پلی» در دهه ۱۹۹۰م با افزایش علاقه به رشته های مربوط به جامعه مدنی و لیبرال دیموکراسی، توجه دوباره ای به دیموکراسی پیدا کرد که در مقاله خود چکیده دانش جمع آوری شده توسط امریکایی ها همچنین انتروپولوژیست های افریقایی و امریکای لاتین را ارائه میدهد. ۹ ماه پس از اخراج نیرو های شوروی از افغانستان جهان با دیدن سقوط یکی از دو ستون قدرت شوروی شگفت زده شد؛ اردوی شکست ناپذیر سرخ شکست خورد و دوم شکست ایدیالوژی مارکسیستی دیکتاتوری پرولتاریا بود. «لیخ والیسا»⁶ با تشکیل کارگران پرولتاریایی " اتحادیه همبستگی اصناف" که به زودی بیک جنبش همبستگی نیرومند تبدیل شد، ایدیولوژی مارکسیستی را ریشه کن و حزب کمونیست را در پولند سرنگون نمود. در سال ۱۹۷۹م همان پرولتاریاها با ایدیالوژی ساری کمونیستی خود به زور قدرت قشون عظیم سرخ که دومین ستون قدرت شوروی را می ساخت زمین را زیر پای دیموکراسیهای غربی به لرزه در آورد و افغانستان را اشغال کرد. مبارزان آزادیبخش گوریلابی افغان پس از ده سال جنگ برای آزادی، اتحاد جماهیر شوروی را مجبور به عقب نشینی به مرز های " ماهواره ای" قدیم خود کرد. من در فبروری سال ۱۹۸۰م به دعوت بلاک ضد

4 - new Journal of Democracy

5 - National Endowment for Democracy

6 - Lech Valesa

بلشویک ملل^[7] به گرد همایی ۱۰۰۰۰ نفری تحت نام " ۴۵ ملت اسیر"^[8] در میدان مدنی بزرگ تورنتو، کانادا رسیدم^[9]. پس از محکومیت شدید حمله شوروی بالای افغانستان، اولین زنی که سمت وزارت امور خارجه کانادا را داشت، وزیر «فلورا مکدونالد»^[10] از من خواستند تا در این گرد همایی بزرگ که مدعوین بیرق های ۴۵ کشور اسیر و بیرغ افغانستان را در دست داشتند سخنرانی کنم. آنروز درجه برودت زیر صفر بود، من از مظاهره چیان خواستم تا پاهای شانرا چنان سخت بر زمین تکان دهند که گویی در همین نقطه فقط برای گرم کردن بدن شان دوش می کنند. صدای من در برابر شیشه های تعمیرات بلند منزل در ارتفاعات اطراف میدان بزرگ طنین انداز شد، من بر اساس حروف الفبا نام هر ملت اسیر را خواستم تا بیرق خود را بر افراشته و برای آزادی ملت خود فریاد بر آورند. سخنرانی را با این شعر به پایان رساندم :^[11]

عقاب های هندو کوه همالیا
در آبی ترین آسمان
بسیار بلند پرواز کرده اند
آنان از بشریت می خواهند
بیدار شوند و ببینند
اینکه ما فقط وقتی انسان هستیم
که آزاد باشیم
که ما در پیشگاه خداوند قسم خورده ایم
برای شکستن هر حلقه از هر زنجیره برده داری
آیا درد فریاد نمی زند
" یا مرگ یا آزادی!"
ما نفس آن خالقی را داریم که ما را آزاد خلق کرده است
آزادی داده شده ما با اراده آزاد ما برای ما زندگی می کند
اراده آزاد،
شرط مطلقه آزادی ما را انتخاب کرده است
بشیر احمد زکریا

(یادداشت مترجم : من شاعر نیستم و باید اعتراف نمایم که من اینجا نه توانسته ام این شعر زیبا را با همان لذت و زیبایی که در متن انگلیسی به درستی ترجمه کنم)

7- Anti-Bolshevik Bloc of Nations (ABN)

8- 45 Captive Nations

9 - A Thesis of Alexander N. Sosenko for MA degree at University of Illinois, Urbana-2010 was a study of close working of Eastern European and Eurasians in Anti-Bolshevik Bloc of Nations (ABN). He concluded that ABN represented ethnicity, their interpretation of Russian Communism and its importance to the West and Western Idealism. (1943-1996).

10 - Flora MacDonald

11 - Zikria, B.A. *My Memoirs*. Unpublished.

پس از خروج شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹م، کمونیزم در پولند سقوط کرد و دقیقاً ۹ ماه بعد، سرنگونی سمبولیک دیوار برلین، آلمان شرقی و غربی را با هم متحد کرد و به جنگ سرد پایان داد. " در میان گفتگوی عمومی جنگ سرد، دیموکراسی از نظر ایدئولوژیک به عنوان نقطه مقابل کمونیزم شوروی عمل کرد و در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا به کار گرفته شد تا تلاش های ضد شورش و همچنین تحولات سیاسی را در امریکای لاتین، افریقا و آسیا و جا های دیگر مؤثر نشان دهد. " پس از جنگ جهانی دوم، ایده پسا استعماری "مدرنیزم"، " اعتقاد به پیشرفت مستقیم، حقیقت مطلق، برنامه ریزی منطقی نظم های اجتماعی ایده آل و ستندرد سازی دانش و تولید آنها (نقل قول از هاروی [12]) چیز های اند که بوسیله انترپولوژیست ها نوشته شده اند. این ایده های مدرنیستی در روال کار «مؤسسه انکشاف بین المللی ایالات متحده آمریکا» [13] و بانک جهانی عمدتاً برای ارتقاء و توسعه دیموکراسی در جهان گنجانیده شد. [14]

یک عده کشور های آسیایی طور مثال منگولیا با فرهنگ سیاسی ۸۰۰ ساله خود توانست مفهوم دیموکراسی را به قول انترپولوژیست ادراکی [15] «سابلوف» [16] (۲۰۰۱)، منافع جمعی را فراهم نماید مانند چنگیز خان که " مبتدی ترین اصول دیموکراتیک" را بدون در نظر گرفتن حق فردی تدوین نمود. "چین منحنی یک جامعه دیموکراتیک سوسیالیستی" به عنوان کشوری بخود می بالد که دسترسی به مسکن، غذا، معارف و تحصیلات عالی، مراقبت و مواظبت های صحی و سایر مزایا را برای اتباع خود تهیه میدارد. سنگاپور با دنبال کردن سیاست " دیموکراسی مالکیت خانه" به خود می بالد که در آن به اتباع خود از "مالکیت عمومی خانه، معارف و تحصیلات با کیفیت بلند و توسعه اقتصادی بی پایان" اطمینان می دهد. " این بدان معنی است که ممکن دیموکراسی معانی متبادلی داشته باشد، اصطلاح دیموکراسی تنها به این توجیه نمی شود که مردم سقوی بر سر داشته و شکم شان پُر باشد بلکه دیموکراسی به معنی انتخابات و آزادی فرد است که در آن به مردم اجازه داده میشود تا در تعیین آینده خود طبق دلخواه شان نقش داشته باشند. نامگذاری چنین دولتهای " دیموکراتیک" که توسط الیگارشی مطلقه با تیوریهای خود شان اداره می شوند با رهبری هوس آلود و هر دم خیال شان واجد شرایطی پنداشته نمی شوند که واقعاً دیموکراتیک خوانده شوند.

مشکل جهان سوم قاعده ایست که توسط صندوق بین المللی پول (MIF) اعمال میشود؛ سازمان تجارت جهانی (WTO) که در آن تصمیمات توسط متخصصین در مراکز صنعتی از فواصل دور گرفته میشود و اغلب با قانونگذاران منتخب محلی در تضاد قرار می گیرند بیشتر اوقات در زمینه تلاش برای دیموکراسی ناکام می مانند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و انهدام دیوار برلین، مبارزه علیه دیکتاتوریهای نوظهور، رژیم های نظامی در امریکای لاتین و آسیا و ظهور آپارتاید در افریقا، عقیده "جامعه مدنی" بار دیگر اهمیت سیاسی خود را در مخالفت با رژیم های سرکوبگر بدست آورد. بنابر این است که "جامعه مدنی" به عنوان یک جنبش اجتماعی لزوماً علیه رژیم های تمامیت خواه توسط جنبش های دیموکراسی مورد استفاده قرار گرفت. هر چند جامعه مدنی یک جنبش همیشه مؤفق نبوده است، ولی «جان گلدیل»

12 - PRECIS 6 1987, cited in Harvey 1989, p 9

13 - USAID

14 - Ditto. Julia Paley.

15 -cognitive anthropologist

16 -Sabloff

[17] (اکتوبر ۲۰۰۱) در یک کنفرانس بین المللی در مورد "شهروندی و فرهنگ سیاسی در امریکای لاتین" و "گذار دیموکراسی" مکسیکو توضیح داد که چطور گفت و شنود جامعه مدنی، "توانمند سازی"، "مشارکت"، "همکاری" و "دخیل ساختن جامعه" را تشویق می کند که بطور گسترده ای گسترش یافته است!

"استفاده از اصطلاح "دیموکراسی" نه به تنهایی، نه بصورت یکنواخت، و نه بطور کامل اتفاق می افتد؛ بلکه این اصطلاح اتنوگرافیکی است. بنابراین این باید بیرسیم: این اصطلاح از چی کسی است؟ استعمال آن در هر مورد خاص به چی معناست؟ این اصطلاح در کجا بوجود می آید و در کجا نه؟" [18]

«ار جونا اپادوری» [19] (۲۰۰۲) گفته است که گفتمان "دیموکراسی عمیق"، "دیموکراسی بدون سرحد" می تواند از ریشه های تهابی جهانی شده ترویج شوند. [20]

انترپولوجیستان اتنوگرافیک (مردم شناسان قوم شناس)، بالاترین آرمان های دیموکراسی را یک ضرورت قاطع می دانند، زیرا "مشروعیت بیش از هر چیز به یک سیستم پاسخگوی سیاسی و شخصی بستگی دارد که در اصل آن حاکمیت قانون نهادینه می شود."

اکثر محققان این نظریه را مطرح می کنند که دیموکراسی آرمانی ممکن خود را در دیموکراسی عملی، کمتر از فعالیت عملی دیموکراسی کاردهنده محاکم و جنبش های اجتماعی و غیره بیابد، مگر اینکه حقوق بشر، حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی، برابری، هماهنگی نژادی به رسمیت شناخته شده باشد و عملاً پیاده شده باشد و تفاوت بزرگ در عواید رفع شده باشد.

سوم: چند فرهنگی [21]

با جهانی شدن اقتصاد، یک عده از جوانب فرهنگی آن نیز پدید آمده و گفت و شنود چند فرهنگی آغاز شده است. این پدیده در تکامل ایالات متحده امریکا به عنوان "دیگ نوب کن" یا ادغام نژادها، قومیت ها و برخی از سنن قبیله ای به خوبی شناخته شده است. پس از جنگ دوم جهانی با بی جا شدن ها و مهاجرت ها گفتگو های فزاینده در این زمینه انجام شده است. متأسفانه، این موضوع توسط انترپولوجیست های برجسته پرداخته نه شده است. این در طیف وسیع آن معنون به "تیوری دیگ نوب کن" یا "تیوری کاسه سلاد" مطرح شده است. متعاقب بحث ها در جوامع دیموکراتیک، یک تیوری لیبرال در باره تیوری «دیگ نوب کن» یا «کاسه سلاد» مورد توجه قرار گرفته است که در یک جامعه نا همگون، همزیستی و

17 - John Gledhill

18 - Appadurai, Arjuna. *Deep Democracy: urban governmentality and the horizon of politics*. Environment and Urbanization. (Vol 13 No 2), pp. 23-43. 2001. 95

19 - Arjuna Appadurai

20 - Appadurai, Arjuna. *Deep Democracy: urban governmentality and the horizon of politics*. Environment and Urbanization. (Vol 13 No 2), pp. 23-43. 2001.

21 - Multiculturalism

نگهداشتن برخی از خصوصیات رسوم و فرهنگهای منحصر به فرد مردم حفظ گردیده اند. طور مثال ما در شهر نیویورک جوامع متعدد نژادی را می یابیم مثلاً " شهرک جرمن - جرمن تاون، محله فرانسویهای - فرنچ کوارترز، شهرک چینیایی - چاینه تاون، و اودیسه کوچک - لینتل اودیسه و غیره را پیدا می کنیم. متأسفانه که ناسیونالیست های امریکایی چند فرهنگی را به هویت امریکایی تهدید می دانند. در واقع، هویت های شخصی و گروهی، گاهی نقش های سازنده و یا مخرب بازی می کنند! سوآلی که چند فرهنگ گرایی مطرح میکند، مسئله مهمی در تیوری دیموکراسی است. باری یکی از دوستانم گفته بود که " یک جامعه واقعا دیموکراتیک هنر موزائیک یا هنر معرق نیست بلکه هنر فرش بافی است. [22]

یونسکو زمانی این موقف را گرفت که در اعلامیه جهانی خود در مورد تنوع فرهنگی اعلام کرد که " تنوع فرهنگی برای انسانها به همان اندازه ضروریست که تنوع زیست گیاهان و جانداران [23] برای طبیعت ضروریست."

بقیه دارد

چهارم : دینامیک جهانی دیموکراسی ها



آرشیف: مقالات پوهاند بشیر احمد زکریا

22 - Hyland, JamesL. Democratic Theory: The Philosophical Foundations. Manchester University Press/Distributed in USA and Canada by St. Martin's Press; Manchester, New York. ISBN: 07190 4517 7. 1995'
23 - biodiversity